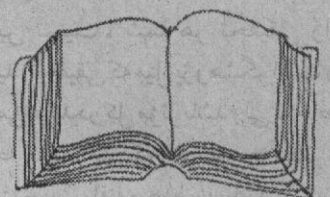




بعثت پیامبر گرامی اسلام در قرن هفتم میلادی، بیش از هر چیز، انقلابی معنوی و فرهنگی بود و همین امر، موجب تحول فهم و اندیشه، تغییر وضعیت زندگی و رشد چشمگیر مسلمانان در تمامی اجزاء تمدنی، بویژه در «کتاب و کتابخوانی» شد.

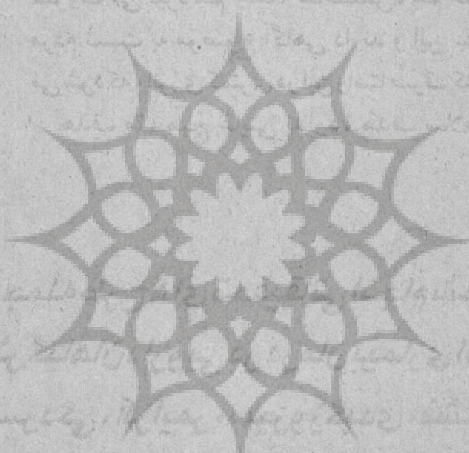
تشویق به باسواد شدن، ترغیب به پیگیری دانش، تأکید بر نگارش یافته‌های جدید، توصیف جایگاه والای دانش پژوهان، تفضیل ارزش قلم دانشوران بر خون شهیدان، تعظیم «کتاب و کتابخوانی» به عنوان دو عنصر انتقال اندیشه، آموزش و ارزش‌ها، فرو ریختن نظام طبقاتی تحصیل علم و آزاد کردن آن از دایره تنگ و محدود درباریان و دبیران و ترویج «هجرت علمی» برای کسب دانش از دورترین جای ممکن، از ویژگی‌های ممتاز اسلام در جهان خشن، پرتبعیض و دو قطبی آن روزگار بود و این همه، نشانه ارج گذاری اسلام به کسب دانش و علم و عالم و کتاب و کتابخانه بود.

در نوشتار حاضر، نویسنده با بهره گیری از ۲۶ مأخذ تاریخی- فرهنگی، پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره نخستین کتابخانه‌های جهان، به معرفی انواع کتابخانه‌های مستقل، نیمه مستقل، خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی در جهان اسلام پرداخته، در کنار آن، کتابخانه‌های مربوط به دارالعلم‌ها، خانقاه‌ها، مزارات، مدارس، بیمارستان‌ها و رباط‌های دنیای اسلام را معرفی کرده است.



کتابخانه‌ها در جهان اسلام

حسن حسین زاده شانه چی



اخلاف یونانیان در مصرف- کتابخانه‌ای در شهر اسکندریه دایر کردند، که بزرگ‌ترین کتابخانه جهان باستان به شمار می‌رفت و بقایای آن تا دوران فتح این سرزمین توسط مسلمانان باقی بود. رومی‌ها نیز کتابخانه‌هایی ساختند از جمله کنستانتین بزرگ در ۳۳۵ میلادی کتابخانه بزرگی در قسطنطنیه- مرکز امپراتوری روم شرقی- احداث کرد.^(۱) به جز یونانی‌ها و رومی‌ها، ایجاد کتابخانه در ایران نیز مرسوم بود. ایرانیان کتاب‌های خود را در اماکن مخصوصی نگهداری می‌کردند. پادشاهان ایرانی بدین منظور در کاخ‌های خود، کتابخانه‌هایی داشتند. کتابخانه پادشاهان هخامنشی در شهر استخر یکی از این موارد بود که در حمله اسکندر نابود شد.^(۲) شواهد دیگری نیز در دست است که نشان می‌دهد در ایران باستان کتابخانه‌هایی وجود داشته است. مثلاً ابن‌الدیم و ابن‌حوقل، از پیدا کردن مجموعه‌ای از کتاب‌های ایرانی در خرابه‌ای نزدیک اصفهان خبر داده‌اند، که در آن جا صندوق‌هایی پر از کتاب و نوشته‌های مختلف وجود داشت.^(۳) همچنین خبری نقل شده که حاکی

کتابخانه به عنوان مکانی که کتاب‌ها را به منظور حفاظت و جلوگیری از نابودیشان و امکان استفاده آسان‌تر از آنها در آن جا نگهداری می‌کنند، از قدیم‌الایام در جوامع متمدن وجود داشت، حتی پیش از آن‌که کتاب به مفهوم واقعی آن پدید آید و ابزارهای نوشتن تکامل پیدا کند. باستان‌شناسان در خرابه‌های شهر بابل در بین‌النهرین، مکانی متعلق به ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح را یافته‌اند، که در آن مجموعه‌ای از الواح گلی مزین به خطوط میخی، نگهداری می‌شد. تصور بر این است که این مکان نوعی کتابخانه اولیه بوده است که نوشته‌های حایز اهمیت در آن وجود داشته است. دیودوروس؛ نویسنده یونانی اظهار داشته که در مقبره یکی از پادشاهان مصر باستان، کتابخانه‌ای مشاهده کرده است. یونانی‌ها از اولین مردمانی بودند، که کتابخانه برای استفاده عموم دایر کردند. استرابو؛ دانشمند یونانی در اواسط قرن ششم پیش از میلاد، نخستین کتابخانه عمومی در یونان را تأسیس کرد. پلوتارک؛ مورخ یونانی از کتابخانه‌ای در پرگاموس با دو بیست هزار کتاب نام برده است. بطلیمیوس‌ها-

از وجود کتابخانه‌ای بزرگ در مرو است. (۴)

با ظهور و گسترش اسلام و توسعه کتاب‌نویسی در جوامع اسلامی، مسلمانان نیز به گردآوری کتاب پرداختند. اولین کتابخانه‌هایی که در جهان اسلام شکل گرفتند، مجموعه کتاب‌های شخصی بودند که توسط دانشمندان، یا علاقه‌مندان به علم و دانش، در خانه‌هایشان گردآوری می‌شدند. برخی حکمرانان مسلمان نیز به این کار مبادرت می‌ورزیدند. به نظر می‌رسد، حکام اموی کتابخانه مفصلی در کاخ خود در دمشق داشتند که عمر بن عبدالعزیز بعضی از کتاب‌های آن را بیرون آورده و در دسترس مردم قرار داد. (۵) اولین کتابخانه‌های عمومی در دوره خلفای عباسی پدید آمدند و برخی از آنان در این کار نقش به‌سزایی داشتند. کتابخانه‌هایی که در جهان اسلام تأسیس شدند انواع مختلفی داشتند و ما می‌توانیم به طرق مختلف، آنها را دسته‌بندی کنیم. در یک تقسیم‌بندی کلی، این کتابخانه‌ها را در دو دسته جای می‌دهیم:

الف- کتابخانه‌های مستقل

ب- کتابخانه‌های غیرمستقل

هر یک از این دو، به نوبه خود، به اقسام مختلف و متعددی تقسیم می‌گردند، که در ادامه به شرح آنها خواهیم پرداخت:

- کتابخانه‌های مستقل

مقصود از کتابخانه‌های مستقل، کتابخانه‌هایی است که به هیچ سازمان، مؤسسه یا نهاد دیگری- آموزشی یا غیرآموزشی- وابسته نبود و فقط به عنوان مرکزی برای جمع‌آوری کتاب‌ها جهت فراهم ساختن امکانات مناسب برای مطالعه و تحقیق ساخته شدند و اگر در این مراکز فعالیت‌های آموزشی یا پژوهشی انجام می‌شد جزو فعالیت‌های فرعی آنها به شمار می‌رفت و این کتابخانه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- کتابخانه‌های خصوصی

- کتابخانه‌های نیمه عمومی

- کتابخانه‌های عمومی

- کتابخانه‌های خصوصی

از این گونه کتابخانه‌ها به تعداد زیاد می‌توان نام برد که در خانه‌های دانشمندان دایر بودند و در بین آنها کتابخانه‌های بزرگ و قابل توجهی یافت می‌شوند. در عین حال، اطلاعات ما درباره این کتابخانه‌ها ناچیز است زیرا اغلب گزارش یا خبری درباره آنها در منابع نیامده است. یکی از قدیمی‌ترین این کتابخانه‌ها، کتابخانه حنین بن اسحق (در گذشته ۲۶۴هـ) است که از دانشمندان و مترجمان به نام زمان خود بود و در کتابخانه‌اش کتاب‌های علمی مختلف به زبان‌های گوناگون را گرد آورده بود. کوشش‌هایی که حنین بن اسحق برای به دست آوردن کتاب‌ها به کار بست، کتابخانه

کشیده شد و بسیاری از کتاب‌های آن، در آتش سوخت. (۸) کتابخانه موفق مطران (در گذشته ۵۸۷هـ) پزشک معروف آن دوران، از کتابخانه‌های بزرگ این دوران محسوب می‌شود، که نزدیک به ده هزار جلد کتاب داشت. او سه نسخه بردار در کتابخانه خود استخدام کرده بود که از روی کتاب‌های مورد علاقه و نیاز وی، نسخه‌هایی را تهیه می‌کردند. (۹) نمونه‌های بسیار دیگری از این کتابخانه‌ها را می‌توان در نقاط مختلف جهان اسلام نام برد، مثلاً در اندلس می‌توان به کتابخانه ابن خرم دانشمند معروف اندلسی، (۱۰) و کتابخانه مجاهد عامری (در گذشته ۴۶۸هـ) از بزرگان این سرزمین، (۱۱) اشاره کرد. حتی برخی زنان تحصیلکرده و دانشمند، کتابخانه‌های شخصی برای خود فراهم می‌کردند، مثل عایشه دختر احمد (در گذشته ۴۰۰هـ) که از زنان و دانشمندان اندلس بود. (۱۲)

به جز دانشمندان و اهل علم، که در خانه‌هایشان کتابخانه‌هایی ترتیب می‌دادند، کسان دیگری نیز به این کار مبادرت می‌ورزیدند، از جمله اینان، برخی حکمرانان و دولتمردان بودند، که به سبب علاقه به کتاب و کتاب‌خوانی، یا فقط به منظور بهره‌مند شدن از ارزش و اعتبار معنوی کتاب‌ها، به ایجاد کتابخانه‌هایی دست می‌زدند. از اولین حکمرانان جهان اسلام که به چنین امری اقدام کرد معاویة بن ابی سفیان بود که در کاخ خود در دمشق، مجموعه‌ای از کتاب‌ها را گرد آورده بود. در این زمینه، گزارش‌هایی در دست هستند که این امر را تأیید می‌کنند. مسعودی در شرح حال او می‌گوید:

«او پس از آن که ثلثی از شب را می‌خوانید، برخاسته و کتاب‌هایی را که در آنها شرح حال، عملکردها، جنگ‌ها و نیرنگ‌های سلاطین نوشته شده بود از نظر می‌گذرانید. افراد اجیر شده‌ای که به مواظبت از کتاب‌ها اشتغال داشتند این کتاب‌ها را برای وی می‌خواندند.» (۱۳)

این گفته مسعودی، بر وجود این کتابخانه تصریح دارد. این کتابخانه که بیت‌الحکمه نامیده می‌شد، در کاخ خضراء دمشق قرار داشت و پس از دست به دست شدن بین جانشینان معاویه، به دست خالد بن یزید افتاد و وی در سال ۶۵ هجری، آن را همراه با کاخ خضراء به عبدالملک بن مروان (در گذشته ۸۶هـ) خلیفه اموی فروخت و عبدالملک به سبب علاقه‌ای که به کتاب داشت آن را حفظ کرد. (۱۴) این کتابخانه در زمان جانشین او، یعنی ولید بن عبدالملک (در گذشته ۹۶هـ) شکل قطعی به خود گرفت و دارای تشکیلات منظم شد. (۱۵) به نظر می‌رسد که با انقراض حکومت اموی این کتابخانه هم به نابودی گرایید.

خلفاء عباسی نیز از کسانی بودند، که به این امر

□ یونانی‌ها از اولین مردمانی

بودند، که کتابخانه برای استفاده

عموم دایر کردند. استرابو؛

دانشمند یونانی در اواسط قرن

ششم پیش از میلاد، نخستین

کتابخانه عمومی در یونان را

تأسیس کرد.

او را به صورت یکی از پربرترین کتابخانه‌های عصر خود درآورد. او بدین منظور، سفرهای زیادی به شهرهای مختلف داشت. (۱۶) از دیگر کتابخانه‌های شخصی بزرگ، کتابخانه صاحب بن عباد، ادیب و دانشمند قرن چهارم هجری و وزیر خاندان بویه، را باید نام برد. وی که از دانشمندان مشهور زمانش به شمار می‌رود و علاقه بسیاری به کتاب داشت، مجموعه بزرگی از کتاب‌ها را گرد آورده بود. شمار این کتاب‌ها معلوم نیست، اما می‌توان برآورد کرد که بالغ بر چند هزار جلد بوده‌اند. این نکته را از آن جا می‌توان فهمید، که خود او ادعا کرده بود برای حمل و نقل کتاب‌هایش، چهل شتر لازم داشت. (۱۷)

محمد بن حسن طوسی (در گذشته ۴۶۰هـ) معروف به شیخ الطائفة دانشمند بزرگ شیعه، نیز کتابخانه بزرگی در خانه خود در شهر بغداد داشت که در آن انواع کتاب‌های حدیثی، فقهی، کلامی تاریخی و... را جمع‌آوری کرده بود. تعداد کتاب‌های این کتابخانه را هشتاد هزار ذکر کرده‌اند، که متأسفانه تعداد زیادی از انبوه کتاب‌های موجود در آن باقی‌نماند زیرا در حوادث سال ۴۴۸ هجری و ورود سلجوقیان به بغداد، خانه شیخ طوسی مورد هجوم بعضی سنیان متعصب قرار گرفت و به آتش



می خواستند با این اقدام خود، تحسین و ستایش دیگران را نسبت به خود برانگیزند. از این گونه کتابخانه‌ها، نمونه‌های متعدد و قابل توجهی به وجود آمدند که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

بیت الحکمه

از اولین کتابخانه‌های نیمه عمومی که به نوبه خود از بزرگترین کتابخانه‌های اولیه اسلامی به شمار می‌رود، بیت الحکمه بغداد است. این مرکز که در برخی منابع از آن به خزانه الحکمه یاد شده (۱۸)، توسط هارون الرشید (در گذشته ۱۹۲ هـ) خلیفه عباسی پی‌ریزی شد.

تاسیس بیت الحکمه در راستای تکمیل کتابخانه خصوصی عباسیان بود ولی هارون آن را از حالت کاملاً خصوصی خارج ساخت و امکان استفاده از آن را برای برخی دانشمندان و عالمان فراهم کرد. (۱۹) این مرکز در زمان حکومت مامون به اوج شکوفایی خود رسید. او تلاش کرد تا کتاب‌های بیشتری را در این کتابخانه گردآورد و باب مراد را با رومیان گشود و طی چند نوبت شمار زیادی از کتاب‌های قدیمی یونانیان در فلسفه و منطق و ریاضیات و ستاره‌شناسی را به بیت الحکمه وارد ساخت و دستور داد این کتاب‌ها را به زبان عربی ترجمه کنند. (۲۰) بدین ترتیب، کتابخانه بزرگی پدید آمد که دارای تشکیلات اداری و سازمانی مفصلی بود و گروهی از دانشمندان و دانش‌پژوهان این عصر به این مرکز آمد و شد داشتند و از آن استفاده می‌کردند. ظاهراً این افراد با صلاح‌دید مامون و مسوولان بیت الحکمه، اجازه استفاده از این کتابخانه را می‌یافتند.

در بیت الحکمه، فعالیت‌های علمی و پژوهشی هم انجام می‌شد. یکی از فعالیت‌های مهم این مرکز، ترجمه متون علمی از زبان‌های بیگانه به خصوص از زبان یونانی به عربی بود. به دستور مامون گروهی از مترجمان ممتاز در بیت الحکمه به کار گماشته شده بودند تا این کتاب‌ها را ترجمه کنند. (۲۱) در

نوجه داشتند. از آن جایی که اولین خلفای عباسی ارتباط زیادی با ایرانیان و دانشمندان نصرانی عراق و ایران داشتند، تحت تأثیر آنان، علاقه و توجه بیشتری به علوم و کتاب‌های علمی نشان می‌دادند و این امر، آنان را به گردآوری کتاب‌هایی در کاخ‌هایشان ترغیب می‌کرد. منصور (۱۳۸-۱۵۸ هـ) اولین خلیفه عباسی بود که به این کار دست زد. او حتی نمایندگانی به بیزانس روانه کرد و از امپراتور روم شرقی خواست تا کتاب‌های یونانیان را برایش ارسال کند. پسر و جانشین او محمد المهدی (۱۵۸-۱۶۹ هـ) اقدامات پدرش را دنبال کرد و بدین گونه، کتابخانه بزرگی در کاخ عباسی به وجود آمد. (۱۶) چنین رویه‌ای را بسیاری از حکمرانان مسلمان در نواحی مختلف سرزمین‌های اسلامی داشتند و بدین ترتیب، در بسیاری از کاخ‌های حاکمان اسلامی، کتابخانه‌های کوچک و بزرگی یافت می‌شد. کتابخانه امیران سامانی در شهر بخارا، از نمونه‌های ممتاز آنهاست که کتاب‌های علمی ارزشمندی در آن نگهداری می‌شد و دانشمندانی که با دربار سامانی در ارتباط بودند مانند ابوعلی سینا می‌توانستند از آن استفاده کنند. متأسفانه این کتابخانه در اختلافات داخلی ایران سامانی، دچار آتش‌سوزی شد و از بین رفت. (۱۷) از همین قبیل می‌توان به کتابخانه فاطمیان (۲۹۶-۵۷۸ هـ) در مصر و کتابخانه امیران مختلف اندلسی اشاره کرد.

کتابخانه‌های نیمه عمومی

این کتابخانه‌ها برای استفاده همگانی تاسیس نمی‌شدند ولی جنبه کاملاً خصوصی نداشتند، که فقط در اختیار صاحبانشان باشند. بلکه براساس اهداف و نیات بنیانگزارانشان، اقشار خاصی از جامعه - که اغلب دانشمندان و دانش‌پژوهان بودند - می‌توانستند از امکانات این کتابخانه‌ها بهره‌مند شوند. این کتابخانه‌ها به طور معمول توسط خلفاء یا دولتمردانی تاسیس می‌شدند که علاقه شخصی به علم و دانش و کتاب داشتند، یا

کنار این مترجمان، گروهی از نویسندگان نیز در این مرکز حضور داشتند و کتاب‌هایی که توسط آنها نوشته می‌شد به نظر مامون می‌رسید و او آنها را با مهر مخصوص خود، مهور می‌کرد. (۲۲) فعالیت‌های تحقیقاتی در موضوعات مختلف و به طور عمده در ستاره‌شناسی و ریاضیات از کارهای دیگر بیت الحکمه بود، که دانشمندان بزرگی در این زمینه فعالیت داشتند. همچنین به خواست مامون جلسات بحث و مناظره علمی در بیت الحکمه برپا می‌گردید. (۲۳) درباره تعداد کتاب‌های موجود در این کتابخانه در هیچ یک از منابع سخنی به میان نیامده است اما در پنج مجموعه قابل تفکیک بودند: مجموعه تالیفات به زبان‌های یونانی، فارسی و سریانی، مجموعه آثار ترجمه شده در خود بیت الحکمه، مجموعه کتاب‌هایی که برای مامون نوشته شده بودند، یا به او اهداء می‌شدند، کتابهایی که از کتابخانه‌های قدیم خلفا به دست آمده بود و مجموعه کتاب‌های نسخه برداری شده توسط نسخه برداران.

انتقال مقر خلافت از بغداد به سامرا، فعالیت‌های جانبی بیت الحکمه را به ضعف کشانید و این مرکز به یک کتابخانه محض تبدیل شد، که تا اواخر قرن چهارم هجری محل رفت و آمد اهل علم بود ولی از این زمان به بعد، نامی از بیت الحکمه برده نشده است.

خزانه الحکمه‌ها

با شکوفایی بیت الحکمه، کسان دیگری به تقلید

از این مرکز، کتابخانه‌هایی مشابه آن ایجاد می‌کردند که به نام خزانه الحکمه معروف هستند. یکی از این افراد، علی بن یحیی (در گذشته ۲۷۵ هـ) دانشمند ستاره‌شناس معروف بود.

خزانه الحکمه علی بن یحیی نیز، کتابخانه‌ای نیمه عمومی بود که دانشمندان می‌توانستند از آن استفاده ببرند. (۲۴) خزانه الحکمه دیگری توسط فتح بن خاقان، که از دولتمردان عصر متوکل عباسی بود، در بغداد به وجود آمد و تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب‌های علمی و ادبی در آن موجود بود. به طوری که گفته شده، هیچ کتابخانه‌ای تا آن زمان، این همه کتاب نداشت و تا این اندازه غنی و زیبا نبود. (۲۵) بی‌شک در دوره‌های دیگر تاریخ اسلام، کتابخانه‌های نیمه عمومی دیگری هم تاسیس می‌شدند، که اطلاعات زیادی از آنها در دست نداریم. برخی نویسندگان معاصر، کتابخانه‌های موجود در کاخ‌های خلفا و حکمرانان را در زمره کتابخانه‌های نیمه عمومی ذکر کرده‌اند، (۲۶) که در واقع بایست آنها را جزو کتابخانه‌های شخصی به شمار آورد.

کتابخانه‌های عمومی

استفاده از کتابخانه‌های عمومی برای همه مردم ممکن بود و هر کسی از هر طبقه‌ای از اقشار جامعه می‌توانست با مراجعه به این مراکز، از کتاب‌های آنها بهره علمی ببرد. بنا به عقیده برخی تا قبل از قرن سوم هجری، کتابخانه عمومی با این خصوصیات نمی‌توانست وجود داشته باشد زیرا کتابخانه‌های عمومی براساس قانون وقف پدید آمدند. به این ترتیب که بنیانگزاران آنها، کلیه امکانات لازم کتابخانه را برای استفاده عموم مردم وقف می‌کردند. و از آن جایی که، این گونه اقدامات وقفی تا اواخر قرن سوم هجری عملاً در جامعه اسلامی رسمیت نیافته بود، تاسیس کتابخانه‌های عمومی هم به تأخیر افتاده بود. (۲۷) از اولین و مهمترین کتابخانه‌های عمومی، که در این زمان شکل گرفتند، دارالعلم‌ها بودند. اساس بنیاد دارالعلم‌ها بر کتابخانه استوار بود ولی - همانند بیت الحکمه - در کنار آن، فعالیت‌های پژوهشی و علمی نیز در این مراکز انجام می‌شد.

پیدایش دارالعلم‌ها، در راستا و ادامه تاسیس کتابخانه‌های نیمه عمومی - بیت الحکمه و خزانه الحکمه‌ها - بود و در واقع شکل تکامل یافته‌تر این موسسات، به شمار می‌رود و ظاهراً مسلمانان دارالعلم‌ها را به اقتباس از دارالعلم اسکندریه به این اسم نامگذاری کردند. (۲۸)

در دارالعلم‌ها، فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی هم انجام می‌شد و برخی از صاحب نظران در اهمیت جنبه‌های آموزشی دارالعلم‌ها مبالغه کرده‌اند، تا آن جا که آنها را به منزله مراکز آموزشی و

کوتاه و دوام و استمرار فعالیت آنها به دوام و استمرار حکومت‌ها و جنبش‌های شیعی بستگی داشت و با ضعف و انحطاط این حکومت‌ها، دارالعلم‌ها که عوامل اساسی حمایت و پشتیبانی خود را از دست می‌دادند، به نابودی می‌گراییدند. اوج فعالیت دارالعلم‌ها در قرن چهارم و پنجم هجری بود. شماری از این مراکز در این دوران، در شهرهای مختلف تاسیس شدند، که برخی تا قرن پنجم و اوایل قرن ششم فعال بودند و به تدریج با انتقال قدرت در عرصه‌های سیاسی و تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن، اغلب بسته شدند. در ادامه، به معرفی مهمترین دارالعلم‌ها، که کتابخانه‌های عمومی عصر خویش بودند، می‌پردازیم:

دارالعلم موصلی

اولین دارالعلمی، که نامی از آن برده شده، توسط یکی از فقهای شافعی به نام جعفر بن محمد موصلی (در گذشته ۳۲۳ هـ) تاسیس شد و به نام دارالعلم موصلی معروف است. در توصیف این کتابخانه، گفته شده:

«کتابخانه‌ای از کلیه علوم و فنون اسلامی بر آن وقف کرد به صورت که هر دانشجویی می‌توانست از آن بهره گیرد و طالبان ادب در نقاط دور دست برای کسب دانش به این دارالعلم روی می‌آوردند و کسی مانع استفاده آنان نمی‌شد و اگر دانشجویی توانایی مالی نداشت به او یک درهم و یک ورق کاغذ (برای نوشتن) می‌داد...» (۳۲)

این دارالعلم، مجموعه‌ای از کتاب‌ها در موضوعات مختلف علوم بود. احتمالاً کتاب‌های فلسفی و به خصوص آثار مربوط به نجوم به دلیل ذوق فلسفی موسس آن و اشتیاقش به ستاره‌شناسی، جایگاه قابل توجهی داشتند. (۳۳) از ویژگی‌های این دارالعلم برپایی جلسات بحث و نظر علمی بود، که در بیشتر موارد خود موصلی سخنران اصلی جلسه بود و هر روز برای مراجعان به کتابخانه مباحث ادبی را مطرح می‌کرد. (۳۴)

دارالعلم شاپور

شاپور بن اردشیر (۳۳۴-۴۱۶ هـ) وزیر بهاءالدوله دیلمی که به سبب نخستین شغل خود به عنوان کاتب، از فرهنگ بالنسبه غنی برخوردار بود. او در سال ۳۸۳ هجری در محله شیعه نشین کرخ در بغداد، ساختمانی فراهم ساخت و آن را به یک دارالعلم تبدیل کرد. او کتاب‌های زیادی را برای این کتابخانه وقف کرد که بنا به نقلی، بالغ بر ده هزار جلد می‌شد. (۳۵) شماری از کتاب‌های آن نیز از طرف دانشمندان و عالمان به این مرکز اهداء می‌شدند. (۳۶) به نظر می‌رسد این کتاب‌های اهدایی مورد بررسی قرار می‌گرفتند تا معلوم شود شایستگی قرار گرفتن در کتابخانه را دارند یا خیر و در این کار، از عالمان بزرگ بغداد به ویژه دانشمندان

با ظهور و گسترش اسلام و توسعه کتاب‌نویسی در جوامع اسلامی، مسلمانان نیز به گردآوری کتاب پرداختند. اولین کتابخانه‌هایی که در جهان اسلام شکل گرفتند، مجموعه کتاب‌های شخصی بودند که توسط دانشمندان، یا علاقه‌مندان به علم و دانش، در خانه‌هایشان گردآوری می‌شدند.

دانشکده‌های واقعی جهان اسلام برشمرده‌اند (۲۹) ولی به عقیده دیگران، دارالعلم فقط کتابخانه‌ای عمومی بوده که جلسات علمی هم به آن وابسته بود و گروهی از دانشمندان برای گفت و گو و ایراد سخنرانی‌های علمی، در آن جا حضور می‌یافتند و غالباً از سوی دانشجویان و کسان دیگری، که برای مطالعه و کسب دانش و گوش دادن به سخنرانی‌های علمی در این مراکز اجتماع می‌کردند، مورد توجه و مشورت قرار می‌گرفتند. (۳۰)

دارالعلم‌ها، سه ویژگی داشتند:

- ۱- دارالعلم، موسسه‌ای وقفی بود، که قبل از هر چیز به عنوان کتابخانه عمومی مورد استفاده بود
- ۲- تبلیغات عقیدتی عموماً در این مراکز صورت می‌گرفت.
- ۳- وجود و استقرار دانشمندان در دارالعلم، امر آموزش و نیز آمدن دانشجویان را موجب می‌شد. (۳۱)

دارالعلم‌ها، اغلب ماهیتی شیعی داشتند. بیشتر دارالعلم‌ها و بزرگ‌ترین آنها، توسط شیعیان تاسیس و اداره می‌شد. و اغلب در کنار فعالیت‌های کتابخانه‌ای فعالیت‌های تبلیغی شیعی نیز در آنها انجام می‌گرفت. از اینرو، عمر این قبیل مراکز، نوعاً

ابوالحسن علی بن محمد بن احمد جلال الملک
(در گذشته ۴۹۲ هـ) قاضی و حاکم شهر طرابلس در

سال ۴۷۳ هجری، بنا نهاده شد. وی از اعضای
خاندان بنی عمار بود، که مدتی حاکمیت شهر
طرابلس را به دست داشتند و پیرو مذهب تشیع
بودند. دارالعلم طرابلس، یکی از غنی ترین
کتابخانه های جهان اسلام بود، که بنابه نقلی،
سه میلیون کتاب داشت و صدو هشتاد نفر
نسخه بردار، در آن مشغول کار بودند. حکام طرابلس
یعنی خانواده بنی عمار، تمام کوشش خود را
مصروف این کتابخانه می کردند و کسانی را برای
خرید کتاب مأمور می ساختند. به این ترتیب،
طرابلس در زمان حکمرانی این خاندان، از نظر
علمی به شکوفایی و عظمت رسید و دانشمندان
از اطراف و اکناف به این دیار سفر می کردند و به
خدمت حکام بنی عمار در می آمدند. (۴۳) دوره
پویایی این دارالعلم، کوتاه بود و سی سال بعد از
تأسیس، به دست سربازان صلیبی که شهر را تصرف
کردند، روبرو ویرانی رفت. (۴۴)

به جز دارالعلم های یاد شده، موارد دیگری از این
مؤسسات در شهر های دیگر وجود داشتند، از جمله
در بیت المقدس دارالعلمی وجود داشت که در محل
کلیسای قدیمی ساخته شده بود و به احتمال زیاد در
عصر فاطمیان احداث شده بود. این کتابخانه هنگام
تسلط صلیبیان بر این شهر، به کلیسا تبدیل شد. (۴۵)
همچنین شریف رضی؛ دانشمند مشهور شیعی،
دارالعلمی در شهر بغداد ایجاد کرده بود. (۴۶)
دارالعلم شهر فسطاط، دارالعلم ابن مارستانیة و
دارالعلم ابن ابی البقاء، از دیگر دارالعلم های جهان
اسلام هستند. (۴۷)

علاوه بر دارالعلم ها، کتابخانه های عمومی
دیگری هم در شهر های اسلامی وجود داشتند. شهر
بصره در قرن چهارم دارای کتابخانه ای بود، که
ابوعلی بن سوار کاتب، آن را تأسیس کرد. وی از
معاصران ابن ندیم (در گذشته ۳۸۳ هـ) بود.
مقدسی، درباره این کتابخانه می نویسد:

«این کتابخانه را ابن سوار تأسیس کرد و برای
هر کس که به آن جامی رفت و به مطالعه یا رونویسی
از روی کتاب های می پرداخت کمک های مالی در نظر
گرفته شده بود... همیشه استادی برای تدریس
الهیات بر اساس عقاید معتزله به آن جامی آمد» (۴۸)
ابوعلی بن سوار، کتابخانه دیگری هم در شهر
رامهرمز در خوزستان تأسیس کرد و برای آنها،
کارمندانی با حقوق منظم تعیین کرده بود. (۴۹)
مقدسی، عقیده دارد که کتابخانه بصره، بزرگتر و پر
رفت و آمدتر از دیگری بود. (۵۰) ظاهراً کتابخانه
بصره در آتش سوزی ناشی از هجوم اعراب شورش
از بین رفت. (۵۱) نمونه دیگری از این کتابخانه های
عمومی، کتابخانه ای است که سیف الدوله حمدانی

□ بطلمیوسی ها - اخلاف یونانیان در مصرف - کتابخانه ای در شهر اسکندریه دایر کردند، که بزرگ ترین کتابخانه جهان باستان به شمار می رفت و بقایای آن تا دوران فتح این سرزمین توسط مسلمانان باقی بود.

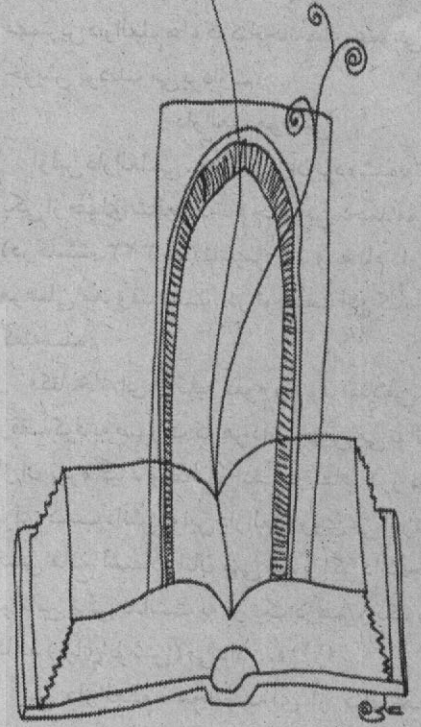


داشت (۴۰) استفاده از دارالعلم قاهره به طبقه خاصی
اختصاص نداشت و همه مردم بدون هیچ تمایزی
از نظر مقام و مرتبه برای مطالعه، استنساخ و
یادداشت برداری به این کتابخانه مراجعه می کردند.
دارالعلم فاطمیان، تشکیلات و سازماندهی مفصل
و گسترده ای داشت و کارکنان بسیاری در آن جا
اشتغال داشتند و هزینه های آن از خزانه حکومتی و
موقوفات معینی، تأمین می شد. (۴۱)

دارالعلم الحاکم، یکی از مراکز اصلی فعالیت
اسماعیلیان بود، که مبلغان و داعیان آنها در این
مرکز، آموزش می دیدند و برای تبلیغ به دیگر
نواحی، روانه می شدند. دارالعلم، پس از مرگ
الحاکم، به کار خود ادامه داد ولی به تدریج روبرو
ضعف نهاد، که علت آن، اختلافات مذهبی داخلی
و آشفتگی اوضاع سیاسی فاطمیان بود. با این حال،
این مرکز تا پایان دوره فاطمیان فعال بود و با روی
کار آمدن صلاح الدین ایوبی، به فرمان وی و
بر اساس سیاست ضد شیعی او، دارالعلم به یکی از
مدارس اهل سنت و مخصوص شافعیان تبدیل
شد. (۴۲)

دارالعلم طرابلس

در اواخر قرن پنجم هجری در شهر طرابلس
لبنان، کتابخانه بزرگی دایر بود که به همت



شیعی مانند شریف مرتضی بهره برده می شد. (۳۷)
برای کتاب های موجود، فهرستی توسط خود
شاپور بن اردشیر تهیه شده بود و در مقدمه یک
طبقه بندی ادبی، انواع کتاب ها تقسیم بندی شده
بودند. (۳۸)

دارالعلم الحاکم فاطمی

بزرگترین دارالعلمی که تا پایان قرن چهارم
هجری تأسیس شد، دارالعلمی بود که الحاکم
بامرالله (۳۸۶-۴۱۱ هـ) خلیفه فاطمی مصر، آن را
در قاهره بنیان نهاد. الحاکم، دارالعلم را در زمینی
نزدیک قصر خویش بنا کرد و کلیه امکانات لازم
برای این کتابخانه را فراهم ساخت: اولین کتاب های
این دارالعلم را، کتب شخصی خلیفه فاطمی تشکیل
می دادند (۳۹) کتاب های موجود در این مرکز، به آثار
شیعی محدود نمی شد بلکه شمار قابل توجهی از
کتاب های اهل سنت هم در بین آنها وجود

(در گذشته ۳۵۶ هـ) در حلب وقف کرده و مشتمل بر ده هزار جلد کتاب بود. (۵۲)

کتابخانه‌های وابسته

مقصود از کتابخانه‌های وابسته، کتابخانه‌هایی است که جنبه استقلالی نداشتند و مرکز مستقلی به شمار نمی‌رفتند بلکه در مراکز و نهادهای دیگری برای استفاده مراجعین به این مراکز، یا کسانی که در آنها اشتغال داشتند، تأسیس می‌شدند. در اغلب مراکز آموزشی، کتابخانه‌هایی از این قبیل وجود داشتند، که مورد استفاده دانشجویان و استادان آنها قرار می‌گرفتند. براساس نوع سازمان‌هایی که این کتابخانه‌ها به آنها تعلق داشتند، می‌توانیم کتابخانه‌های مورد نظر را به اقسام زیر طبقه‌بندی کنیم:

۱- کتابخانه‌های مساجد

وجود کتابخانه در مسجد، در سه قرن اولیه اسلامی امری عادی و متداول نبود و مساجد فاقد کتابخانه به معنای واقعی آن بودند. گاه اتفاق می‌افتاد که در برخی مساجد، کتاب‌های معدودی وجود داشت، که تعداد قابل توجه آنها را قرآن تشکیل می‌داد. به تدریج با رشد سیستم آموزشی و گسترش کتابخانه‌های عمومی، در مساجد نیز کتابخانه‌هایی پدید آمدند و از هنگامی که وقف کتاب از نظر فقیهان جایز شمرده شد، تأسیس کتابخانه در مساجد رسمیت یافت و کسانی که می‌خواستند کتاب‌هایشان را برای استفاده در اختیار عموم قرار دهند، آنها را وقف مساجد می‌کردند. بدین ترتیب اندکی پس از پیدایش دارالعلم‌ها، شاهد وجود کتاب‌های وقفی در مساجد هستیم. کتابخانه‌های مساجد، کتابخانه‌های عمومی بودند، که استفاده از آنها برای همه اقشار جامعه بدون مانع بود. از قرن پنجم هجری به بعد، کتابخانه‌های مساجد توسعه یافت و در مساجد شهرهای مختلف، کتابخانه‌های کوچک و بزرگی پدید آمدند. از مشهورترین کتابخانه‌های مسجدی، می‌توان به مسجد علی بن احمد زیدی (در گذشته ۵۷۶ هـ) (۵۴) و مسجد المستجد (تأسیس ۶۲۶ هـ) در بغداد (۵۵)، کتابخانه مسجد جامع اموی در شهر دمشق (۵۶)، مسجد الحاکم در قاهره (۵۷) و موارد دیگر را نام برد.

۲- کتابخانه‌های مدارس

مدارس مراکز اختصاصی آموزش بودند، که از قرن چهارم هجری به تدریج در جهان اسلام تأسیس شدند و از آن جایی که کار آموزش و تعلیم وابسته به کتاب است، یکی از اجزاء مهم در هر مدرسه‌ای که همزمان با احداث آن بنیان می‌گرفت، کتابخانه بود. مدرسه‌ها اغلب دارای کتابخانه بودند و کمتر مدرسه‌ای یافت می‌شد که کتابخانه نداشته باشد. مدارس نظامیه که به دستور خواجه نظام الملک

مختلف برپا می‌شدند کتابخانه‌های کوچک یا بزرگی متناسب با مدرسه‌های مذکور وجود داشتند. (۶۲)

۳- کتابخانه‌های بیمارستان‌ها

بیمارستان‌ها مراکز آموزش دانش پزشکی بودند و ماهیت کار آنها اقتضای کرد که مجموعه‌ای از کتب مورد نیاز در این رشته در آنها موجود باشد تا مورد استفاده پزشکان و کسانی که طبابت را می‌آموختند، قرار گیرند.

مثلا بیمارستان نوریه در شهر دمشق دارای مجموعه‌ای از کتب پزشکی بود، که نورالدین زنگی (در گذشته ۵۶۹ هـ) پس از احداث بیمارستان، وقف آن جا کرد و در جایی نزدیک به محل برگزاری جلسات درسی، نگهداری می‌شد. (۶۳)

بیمارستان بزرگی که در قاهره به دستور ملک منصور قلاوون (در گذشته ۶۸۹ هـ) ساخته شد، بخشی مخصوص کتابخانه داشت، که دارای کتابدار و امکانات استفاده از کتاب‌ها بود.

کتاب‌های موجود در این کتابخانه همه در موضوع طب نبودند بلکه شامل نسخه‌های نفیس قرآن، کتاب‌های تفسیر، حدیث، فقه، لغت و ادبیات و مجموعه‌های شعر هم می‌شد، که تعدادشان قابل توجه بود. (۶۵) برخی دانشمندان بزرگ نیز کتاب‌های خود را وقف این کتابخانه می‌کردند و از جمله آنها علی بن علاءالدین بن نفیس (در گذشته ۶۸۷ هـ) بود. در میان کتب وقفی او کتاب خودش با نام «الشامل فی الطب» در ۳۰۰ جلد وجود داشت که از هشتاد جلد آن را به طور مشخص مرتب کرده بود. (۶۶)

۴- کتابخانه‌های زیارتگاه‌ها و مقابر

علاوه بر مراکز آموزشی، در برخی اماکن دیگر، که به نوعی با امور علمی و فرهنگی وابستگی داشتند، کتابخانه‌هایی تشکیل می‌شدند، از مهم‌ترین این اماکن مقبره‌ها و آرامگاه‌های پیشوایان دین و عالمان مذهبی بودند، که از بارزترین آنها، مزارهای امامان شیعه را باید برشمرد. در حرم امام علی (ع) در نجف، یکی از این کتابخانه‌ها وجود داشته که تا امروز برپا مانده است. تاریخ تأسیس این کتابخانه به درستی معلوم نیست ولی ظاهراً بنیاد آن به دوران حکومت آل بویه بازمی‌گردد. در این کتابخانه کتاب‌های ارزشمندی از دانشمندان بزرگ بخصوص عالمان شیعه موجود بوده است. در مقبره امام موسی بن جعفر (ع) نیز مجموعه کتب وقفی وجود داشت، که از طرف علی بن روزبهان کاتب بغدادی (در گذشته ۶۰۱ هـ) وزیر شیعه مذهب عباسیان به این مکان مقدس اهداء شده بود. (۶۷) کتابخانه مرقد امام هشتم شیعیان در مشهد نیز از همین نوع

□ از اولین کتابخانه‌های نیمه

عمومی که به نوبه خود از

بزرگ‌ترین کتابخانه‌های اولیه

اسلامی به شمار می‌رود، بیت

الحکمه بغداد است. این مرکز که در

برخی منابع از آن به خزانه الحکمه

یاد شده، توسط هارون الرشید (در

گذشته ۱۹۲ هـ) خلیفه عباسی

پی‌ریزی شد.

طوسی (در گذشته ۴۸۴ هـ) ساخته شدند از این لحاظ پیشگام بودند و در بین آنها نظامیه بغداد کتابخانه‌ای معتبرتر و زیباتر داشت و ساختمان‌های جداگانه به آن اختصاص یافته بود که گاه دارالکتب نامیده می‌شد. (۵۸) یک قرن بعد خلیفه الناصرالدین الله عباسی (۵۷۵-۶۲۲ هـ) ساختمان جدیدی برای کتابخانه مزبور ساخت. (۵۹) از دیگر کتابخانه‌های مدرسه‌ای باید به کتابخانه مدرسه مستنصریه در بغداد اشاره کنیم که کتابخانه‌ای بزرگ و غنی بود و بنابه قولی تعداد کتاب‌هایی که در ابتدای تأسیس آن توسط خلیفه المستنصر عباسی (۶۲۳-۶۴۰ هـ) بر آن وقف گردید هشتاد هزار جلد می‌شد. (۶۰) این کتابخانه در زمان خودش رقیبی نداشت و با تشکیلات مفصل و کارکنان بسیارش، مورد توجه اهل علم و علم‌دوستان بود.

در مدرسه طب دخوازیه هم که در دمشق احداث شده بود، کتابخانه مفصلی وجود داشت که دارای بیش از صد کتاب در علوم پزشکی و دانش‌های وابسته به آن بود. این کتاب‌ها را مؤسس مدرسه، عبدالرحمن بن علی دخواز (در گذشته ۶۲۸ هـ) رونویسی کرده و وقف مدرسه نمود. (۶۱) به همین گونه در اغلب مدارس که در شهرهای

کتابخانه هاست این کتابخانه دارای سابقه ای دیرین است و در طی دوره های مختلف و بخصوص دهه های اخیر، توسعه و گسترش بسیاری پیدا کرده است.

به جز مقبره امامان شیعه، بر مزار عالمان اسلامی کتابخانه هایی مشابه موارد فوق برپا می شد، چنان که مثلاً در مقبره ابوحنیفه امام حنفیان، مجموعه ای از کتب وقفی فراهم شده بود. این مقبره در قرن پنجم هجری قمری ساخته شد و در جوار آن مدرسه ای هم احداث شده بود که به طلاب حنفی مذهب اختصاص داشت. (۶۸) به تدریج با وقف کتاب های دیگر، شمار کتابهای این کتابخانه افزایش چشمگیری یافت. مقابر بزرگان صوفیه، واعظان و مردان دین و حتی رجال سیاسی و دولتمردان نیز، شاهد برپایی چنین کتابخانه های بودند. (۶۹)

۵- کتابخانه های خانقاهها و رباطها

خانقاهها و رباطها که مراکز فعالیت صوفیان بودند، از اماکن دیگری بودند که در آنها، کتابخانه هایی برپا می شدند. رویکرد بزرگان صوفیه به آموزش های نظری و درس و تدریس از حدود قرن پنجم هجری به بعد، زمینه را برای ایجاد کتابخانه هایی در این مراکز فراهم ساخت، به طوری که در برخی رباط های مربوط به قرن ششم هجری و پس از آن شاهد کتابخانه های مفصل هستیم که کتابخانه های بسیاری در موضوعات متنوع را در خود جای داده بودند. از این قبیل می توان به رباط مأمونیه در بغداد اشاره کرد که دارای کتابخانه قابل توجهی بوده و کتاب های ارزشمندی در آن یافت می شد. این کتابخانه در قرن ششم هجری، دوران شکوفایی و پویایی خود را طی کرد. (۷۰) در بغداد، رباط های متعدد دیگری هم وجود داشتند، که هر یک دارای کتابخانه یا مجموعه ای از کتب وقفی بودند.

یکی از بزرگترین کتابخانه های خانقاهی، در شهر دمشق و در خانقاه شمساطیه قرار داشت که از بزرگترین خانقاه های دمشق به شمار می رفت. در این کتابخانه، مجموعه عظیمی از کتب وقفی موجود بود، که در بین آنها، کتاب های نفیس و نسخه های بی نظیر بسیاری یافت می شد. (۷۱) در ادامه لازم است به برخی اماکن علمی و آموزشی اختصاصی دیگری نیز اشاره کنیم، که خاستگاه کتابخانه هایی بودند. این مراکز عبارتند از مؤسسات تعلیمی مذهبی اهل سنت که با نام های دارالقرآن و دارالحديث معروف بودند و به منظور ترویج مذاهب تسنن و مقابله با گسترش تشیع به وجود می آمدند. دارالحديث نوریه در دمشق از مشهورترین این مراکز است، که در قرن ششم هجری به دستور نورالدین زنگی (درگذشته

شرکت کنندگان در جلسات، تاریخ و گاه نام محل آنها هستند. این نقش آموزشی و عوامل دیگر، موجب شد که برخی از این کتابخانه های وابسته، توسعه یابند و نسبت به بقیه کتابخانه های وابسته، رتبه بالاتری پیدا کنند و به یک کتابخانه مرکزی تبدیل شوند. مثلاً در بغداد، چهار کتابخانه بزرگ، ویژگی یک کتابخانه مرکزی را پیدا کردند. این کتابخانه ها عبارتند از نظامیه، مقبره ابوحنیفه، رباط مأمونیه و مستنصریه (۷۴) مرکزیت یافتن این کتابخانه ها سبب می شد تا این مراکز از مقبولیت بیشتری برخوردار گردند و مورد توجه دانشمندان و اهل علم قرار گیرند. این نکته نیز در خصوص کتابخانه های وابسته گفتنی است، که مجموعه کتاب های رایج در آنها اغلب کتب مذهبی بودند که در این میان آثار فلسفی هم کم و بیش وجود داشتند. (۷۵)

دارالعلمها، اغلب ماهیتی شیعی داشتند. بیشتر دارالعلمها و بزرگترین آنها، توسط شیعیان تاسیس و اداره می شد. و اغلب در کنار فعالیت های کتابخانه ای، فعالیت های تبلیغی شیعی نیز در آنها انجام می گرفت.



۵۱۱هـ) تاسیس شد.

نورالدین کتاب های بسیاری را وقف این مرکز کرد. (۷۲) به جز دارالحديث نوریه، دارالحديث های دیگری هم در دمشق تاسیس شدند که دارالحديث اشرفیه در بین آنها معروف تر بود و کتابخانه مجهزتری داشت. (۷۳)

نکته قابل توجه درباره کتابخانه های وابسته، تعدد و درعین حال کوچکی آنها در بیشتر موارد است. شکی نیست که مراجعه کنندگان به این کتابخانه ها به منظور استفاده از این مراکز، متحمل زحماتی می شدند زیرا هدف اولیه این کتابخانه ها به طور خاص ایجاد تسهیلات برای محققان نبود بلکه بیشتر نیاز مراجعان به نهاد اصلی - مسجد - مدرسه و ... را برآورده می کردند. و این مراجعان را بیشتر دانشجویان و استادان تشکیل می دادند.

بنابراین وظیفه این کتابخانه ها قبل از هر چیز، ارائه خدمات آموزشی بود. این امر را می توان بخصوص در دارالحديث ها دید. نسخه های کتب این مراکز برای جلسات دزی به روش سماع و مورد استفاده محدثان قرار می گرفتند و همگی در صفحات آخر دارای مهر تأیید و اسامی

کتابهای پیشنهادی نوشت:

- ۱- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش، ص ۶۳۰.
- ۲- همان، ص ۵۴۶.
- ۳- الندیم، محمدبن اسحق، الفهرست، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۷۸ م، ص ۸۶ و ابن حرقل، ابوالقاسم محمد، صورة الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۵۳.
- ۴- یاقوت حموی، معجم البلدان، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۷ ق، ج ۸، ص ۲۳۵.
- ۵- زیدان، تاریخ تمدن اسلامی، ص ۶۳۲.
- ۶- الندیم، فهرست، ص ۴۰۹ و قفطی، تاریخ الحکماء، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳ و ابن ابی اصیبه، احمدبن قاسم، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، بیروت، دارمکتبه الحیاء، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۷- یاقوت حموی، معجم الادباء، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ص ۱۱۱.
- ۸- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۵۷.
- ۹- ابن ابی اصیبه، عیون الانباء، ج ۲، ص ۱۷۸.
- ۱۰- امین، احمد، ظهیر الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۳، ص ۲۵.
- ۱۱- ابن خطیب، لسان الدین، اعمال الاعلام، بیروت، دارالمکشف، ص ۲۱۸.
- ۱۲- ابن بشکوال، خلف بن عبدالملک، الصلة، المکتبه الاندلسیه، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۹۹۲.

۱۳- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲، ص ۷۲.
۱۴- العش، یوسف، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی اسلامی در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۹.

۱۵- همان، ص ۴۳.
۱۶- همان، صص ۴۵ و ۴۷ و ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، قاهره، صص ۱-۴.
۱۷- قفطی، تاریخ حکماء، ص ۴۲۵.
۱۸- الندیم، فهرست، ص ۲۷۴.
۱۹- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، صص ۴۹-۵۰.
۲۰- الندیم، فهرست، ص ۲۴۳ و قفطی، تاریخ حکماء ص ۲۹ و العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، صص ۵۲-۵۳.
۲۱- همان، ص ۲۴۴ و قفطی، همان، صص ۳۷۷ و ۳۷۹.

۲۲- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، صص ۵۶-۵۹.
۲۳- همان، صص ۶۵-۶۸.
۲۴- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۵ ص ۱۵۷.

۲۵- همان، ص ۱۶، ص ۱۷۴ و الندیم، فهرست، ص ۱۴۳.

۲۶- نک: شعبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمدحسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش، صص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۲۷- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسایی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ ش، ص ۹۱.

۲۸- همان و العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۹۶.

۲۹- طوطح، خلیل، التربیه عندالاسلام، قاهره، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۰.

۳۰- نک: غنیمه، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ص ۹۹.

۳۱- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۱۶۴.

۳۲- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۲، ص ۴۱۹.

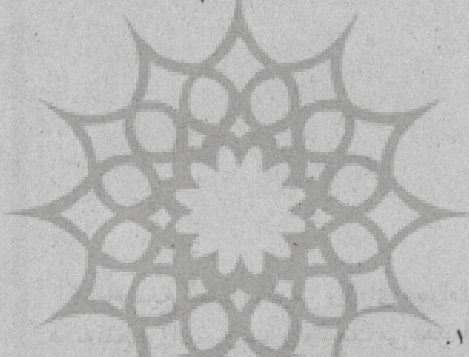
۳۳- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۲۰.

۳۴- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۲، ص ۴۱۹.

۳۵- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۱۲۵.

۳۶- ابن ابی اصیبه، عیون الانباء، ج ۱،

بزرگترین دارالعلمی که تا پایان قرن چهارم هجری تأسیس شد، دارالعلمی بود که الحاکم بامرالله (۳۸۶-۴۱۱هـ) خلیفه فاطمی مصر، آن را در قاهره بنیان نهاد. الحاکم، دارالعلم را در زمینی نزدیک قصر خویش بنا کرد و کلیه امکانات لازم برای این کتابخانه را فراهم ساخت.



ص ۱۴۶.

۳۷- صدقی، خلیل بن آبیگ، الوافی بالوفیات، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۱۱۳.

۳۸- سیط بن جوزی، مرآةالزمان، قاهره، ۱۴۰۲ ق، ج ۱۱، ص ۱۸۵.

۳۹- قلقشندی، احمدبن علی، صبح الاعشی، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۶۶.

۴۰- تفریردی، ابوالمحاسن، النجوم الزاهره، قاهره، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴۱- همان، ج ۱، ص ۴۵۹.

۴۲- نک: غنیمه، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ص ۹۷.

۴۳- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ۱۳۹ به نقل از ابن فرات، ج ۱، ص ۳۸.

نویری، تعداد کتاب ها را بیش از صدهزار گفته است-
نهایةالادب، ج ۱۱، ص ۳۲.

۴۴- همان، ص ۱۴۱.

۴۵- قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۱۰۴ و ابوالفداء، المختصر فی تاریخ البشر، ج ۳، ص ۸۷.

۴۶- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۱۴۵.

۴۷- همان، ص ۱۴۷.

۴۸- مقدسی، ابو عبدالله، احسن التقاسیم، ترجمه منزوی، بنگاه مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش، ص ۴۱۳.

۴۹- شلبی، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۱۵۵.

۵۰- مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۴۱۳.

۵۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۱۲۲ و ابن جوزی، المنتظم، حوادث سال ۴۸۳ هـ.

۵۲- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۱۵۱.

۵۳- همان، ص ۱۵۷.

۵۴- سیط بن جوزی، مرآةالزمان، ج ۸، ص ۲۲۷ و ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۳۱۸.

۵۵- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۲۱۸.

۵۶- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۵۷- ابن دقماق، الاتصاار، قاهره، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۷۹.

۵۸- بنداری، تاریخ دولة السلجوق، قاهره، ۱۴۰۸ ق، ص ۷۴.

۵۹- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۶۷.

۶۰- ابن عنبه، احمدبن علی، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، قم، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۲۴.

۶۱- نعیمی، الدارس فی تاریخ المدارس، دمشق، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۳۲۲.

۶۲- نک: العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۲۰۳ به بعد.

۶۳- ابن ابی اصیبه، عیون الانباء، ج ۲، ص ۱۵۵.

۶۴- مقریزی، تقی الدین احمد، الخطط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۲، ص ۴۰۷ و نویری، نهایةالادب، ج ۸، ص ۴۸.

۶۵- نویری، نهایةالادب، ج ۸، ص ۴۸.

۶۶- صدقی، الوافی، ج ۲۰، ص ۱۶۲.

۶۷- همان، ج ۲۱، ص ۱۳۸.

۶۸- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۲۱۰.

۶۹- همان، صص ۲۵۵-۲۵۶.

۷۰- همان، ص ۲۰۴.

۷۱- همان، صص ۲۵۳-۲۵۵.

۷۲- ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۵، ص ۱۴۷.

۷۳- العش، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی، ص ۲۳۱.

۷۴- همان، ص ۲۸۱.

۷۵- همان، ص ۲۸۲.